

ترامپ پشت میز مذاکره با پیونگ یانگ بدون خلع سلاح

درد

در کره شمالی، حفظ بر نامه هسته‌ای به عنوان اهرم قدرت و چانه‌زنی دیده شده است و کیم جونگ اون با آزمایش‌های مکرر، موقعیت را از «تهدید» به «واقعیت» تبدیل کرده و حالا بدون تسلییم مذاکره می‌کند

حرف می‌زند، ممکن است همین رویکرد را برای ایران برگزیند، فرصتی برای تهران تا بدون از دست دادن حقوق هسته‌ای خود به میز بازگردد. البته ریسک‌هایی وجود دارد: آزمایش‌های کره، تنش را افزایش داد و ایران باید از درس هانوی عدم پیشرفت بدون اعتماد بیاموزد. در نهایت، مدل پیونگ‌یانگ نشان می‌دهد حفظ اهرم هسته‌ای می‌تواند به صلح منجر شود، نه جنگ.

البته در این میان یک متغیر دیگر وجود دارد، تل آویو. در چارچوب دیپلماسی هسته‌ای، اسرائیل به عنوان یک متغیر کلیدی عمل می‌کند که مذاکرات ایران و آمریکا را پیچیده‌تر کرده است. بر خلاف کره شمالی که بدون رقیب منطقه‌ای مستقیم مانند اسرائیل پیش می‌رود، ایران با کار شکنی‌های مداوم تل آویو روبه‌روست که برنامه هسته‌ای تهران را «تهدید وجودی» می‌بیند. در ژوئن ۲۰۲۵، اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای نطنز و فردو حمله کرد که منجر به تخریب بخش‌هایی از سایت‌های هسته‌ای و شهادت دانشمندان و فرماندهان شد. این حملات که با حمایت آمریکا و متحدانش همراه بود، مذاکرات را متوقف کرد. اسرائیل با لابی خود در واشینگتن مانند کمیته‌امور عمومی اسرائیل امریکال (AIPAC)، سیاست «فشار حداکثری» ترامپ را تقویت و هر گونه توافق را مشروط به تضمین‌های امنیتی برای خود می‌کند. این متغیر نه تنها جنبه نظامی و غیرنظامی مانند حملات سایبری استاکس نت در گذشته دارد، بلکه سیاسی و اطلاعاتی است.

اسرائیل با ادعای افشای «راشپو هسته‌ای» ایران در ۲۰۱۸، خروج ترامپ از برجام را تشویق و تسهیل کرد و در ۲۰۲۵، با تغییر استراتژی از هدف‌گیری هسته‌ای به بی‌ثبات‌سازی در داخل ایران، ریسک جنگ گسترده‌تری را افزایش داده است. این رویکرد، ایران را به همکاری نزدیک‌تر با روسیه و چین متمایل کرد که مذاکرات با آمریکا را دشوار تر می‌سازد. در مقایسه با کره شمالی که کیم جونگ اون بدون چنین سایه‌ای شرط مذاکره بدون خلع سلاح را مطرح کرده است، ایران باید با این متغیر مقابله کند که اغلب دیپلماسی را به حاشیه می‌راند.

در نهایت، فراتر از الگوی کره شمالی که به پایه روابط ششگانه-کیم-ترامپ نبوده است، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی ونظوهر مانند تجارت با بریکس (که کره شمالی نیز به آن نزدیک شده) و تمرکز بر انرژی هسته‌ای برای تولید برق یا که می‌تواند به عنوان اهرمی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های سبز اروپایی عمل کند، استراتژی خود را تقویت نماید. در حالی که اسرائیل با چالش‌های داخلی مانند اعتراضات علیه نتانیاهو (پس از بحران غزه) روبه‌روست و ممکن است فشارهایش بر واشینگتن برای اعمال خواسته‌هایش علیه ایران کاهش یابد، این رویکرد، همراه با استفاده از فناوری‌های نوین مانند نظارت ماهواره‌ای مشترک با روسیه برای شفافیت داوطلبانه، نه تنها پنهان تجاوزات اسرائیل را کم می‌کند، بلکه تهران را به عنوان بازگرمی مسئول نشان می‌دهد. در این سناریو، موفقیت ایران نه تنها در تسلییم بلکه در تبدیل برنامه هسته‌ای به ابزاری برای دیپلماسی اقتصادی و امنیتی چندلایه نهفته است که می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و حتی گشایش بازارهای جهانی منجر شود. هر چند این پیش‌بینی خوش‌بینانه به نظر می‌رسد و سریر رویدادها نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی و متحدانش حتی اگر برنامه هسته‌ای ایران تعطیل شود و به مغر هم برسد، باز بهانه جدیدی برای مقابله به تهران پیدا خواهند کرد. به عبارتی، اکنون تل آویو نوع مزاحه با تهران را «وجودی» تعریف می‌کند؛ یکی باید بماند و آن دیگری از میان برود. اینجاست که جمهوری اسلامی ایران باید از موضع قدرت در حوزه نظامی سخن بگوید و آن را به ابزاری واقعی همچون آزمایشات متعددی که پیونگ یانگ انجام داد، به بخش هوشمند دیپلماسی، رهنمون سازد.

با تعریف تدریجی سیاست واشینگتن در قبال تایوان، پیامدهای چندلایه‌ای برای اقیانوس آرام و اروپا به همراه داشته است. در اقیانوس آرام، این تغییر موجب افزایش بی‌سابقه رقابت تسلیحاتی و امنیتی میان چین، ژاپن، استرالیا و آمریکا شده و اتحادیهایی مانند «AUKUS» و «Quad» را به سمت تمرکز بیشتر بر بازدارندگی دریایی در تنگه تایوان سوق داده است، در نتیجه فضای نظامی و راهبردی تغییر یافته است. همزمان در اروپا نیز بازتاب این سیاست در قالب «فشار غیرمستقیم آمریکا برای همسویی با مواضع ضدچینی واشینگتن» نمود پیدا کرده‌است.کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان و فرانسه، میان وابستگی اقتصادی به چین و الزامات هم‌پیمانی با آمریکا دچار دوگانگی شده‌اند. این وضعیت نه‌تنها به‌کراهی درون اتحادیه اروپا نسبت به چین انجامیده بلکه شکاف‌های جدیدی در نظم بین‌المللی غرب محور ایجاد کرده است؛ نظمی که اکنون میان واقع‌گرایی اقتصادی اروپا و رقابت فیلوژئوپولیک آمریکا با چین معلق مانده است.

در نهایت، بازتعریف سیاست واشینگتن در قبال تایوان در دوران ترامپ را می‌توان نمادی از چرخش گسترده‌تر سیاست خارجی آمریکا: «دفاع از نظم لیبرال» به «رقابت قدرت محور»؛ دادست، تغییراتی که تسلیحاتی و نظامی بین‌المللی را از گفت‌وگو و چندجنبه‌گرایی به سمت موازنه سخت و منطقه‌ای سوق داده است. تایوان اکنون بیش از آنکه یک مسئله مموکراتیک یا انسانی تلقی شود، به گره‌گاه ژئواکونومیک رقابت بر سر فناوری‌های پیشرفته و کنترل زنجیره‌های تأمین جهانی تبدیل شده‌است. این سیاست جدید، اگرچه ممکن است در کوتاهمدت بازدارندگی در برابر چین را تقویت کند، اما در بلندمدت خطر تشدید قطبی‌سازی نظام بین‌الملل و تضعیف انسجام غرب را در پی دارد، چراکه اروپا آسیا و حتی برخی متحدان نزدیک آمریکا با نزدیک‌شدن به چین، وابستگی بیشتری به آمریکا پیدا می‌کنند. این تغییر در زبآن سیاسی عملا به تازید فرآیندهای به رویکردی می‌نگرد که بیش از حد بر منطق قدرت و کمتر بر دیپلماسی متوازن تکیه دارد.



و تمرکز بر واشینگتن، پیونگ یانگ آمریکا را مستقیم هدف می‌گیرد.
■ **درس‌هایی از پیونگ یانگ برای تهران**

مقایسه وضعیت کره شمالی با ایران مانند اینه‌ای است که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را برجسته می‌کند. هر دو کشور، تحت تحریم‌های آمریکا، برنامه‌های هسته‌ای را به عنوان «حق مشروع» می‌بینند، اما مسیرهایشان متفاوت بوده است: کره شمالی به سلاح دست یافت، در حالی که ایران به عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بر غنی‌سازی صلح‌آمیز اصرار داشته است. با این حال، موضع اخیر کیم، مذاکره بدون شرط خلع سلاح، درس‌های ارزشمندی برای ایران ارائه می‌دهد به ویژه در سایه خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸، حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، بازگشت به «فشار حداکثری» و فعال شدن استنپک طی هفته‌های اخیر. برای ایران و کره شمالی، بدقولی‌های ایالات متحده، الگویی مشترک است: در کره، به‌عهده‌ی‌های آمریکا منجر به آزمایش هسته‌ای شد و اما در ایران، خروج آمریکا از برجام، غنی‌سازی را به ۶۰ درصد رساند. در همین زمان بود که گزارش RAND هشدار داد: «بناپد برجام را حتی اگر ناقص باشد بود بیندازیم، مگر آنکه آماده عواقبش باشیم». در کره شمالی، حفظ برنامه هسته‌ای به عنوان اهرم قدرت و چانه‌زنی دیده شد. کیم با آزمایش‌های مکرر، موقعیت را از «تهدید» به «واقعیت» تبدیل کرد و حالا بدون تسلیم مذاکره می‌کند. ایران که غنی‌سازی را حفظ کرده است، می‌تواند از این الگو بیاموزد: مذاکره به پایه «حقوق هسته‌ای غیرقابل بازگشت» نه عقب‌نشینی. اما تفاوت‌ها مهم هستند: کره شمالی خارج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و سلاح دارد، در حالی که ایران با ظرفیت غنی‌سازی ۹۰ درصدی، هنوز در چارچوب صلح‌آمیز عمل می‌کند. در سایه چندقطبی‌شدن و نگاهی خوش‌بینانه با حمایت چین و روسیه، ایران می‌تواند از مدل کره الهام بگیرد: تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای مانند شانگهای و حفظ برنامه به عنوان «ضمانت صلح». این نه تشویق به تشدید، بلکه واقع‌بینی است: «دیپلماسی موفق، از موضع قدرت آغاز می‌شود». ترامپ که با کیم «بدون پیش‌شرط

«جنگ اقتصادی» خواند و ادعا کرد واشینگتن «هرگز به وعده‌ها عمل نکرده» است. مثلاً در ۲۰۱۸، ترامپ قول «بهبود روابط اقتصادی» داد، اما تحریم‌های جدید در ۲۰۱۹، صادرات را فلج کرد. این چرخه، کره را به سمت آزمایش‌های مکرر سوق داد: از بمب هیدروژنی ۲۰۱۷ تا موشک بالستیک قاره‌پیما در ۲۰۲۴. گزارش شورای روابط خارجی آمریکا نشان می‌دهد تحریم‌ها تنها ۳۰ درصد مؤثر بوده‌اند، زیرا چین

روسیه آنها را دور می‌زند. شرط خلع سلاح، هسته و مرکز این تنش است. آمریکا همیشه بر «خلع سلاح، تأیید و بازگشت‌ناپذیری» اصرار داشته است، اما کره آن را «تسلیم» می‌بیند. کیم در ۲۰۲۲، سیاست‌های هسته‌ای کره شمالی را «ضامن بقا» اعلام کرده و حالا با زرادخانه‌ای تخمینی ۵۰ تا ۶۰ کلاهک بوده است: «مذاکره بدون

نیویورک پست بدون پیش‌شرط پاسخ داد: «کیم مرد خوبی است، می‌توانیم بدون شرط حرف بزنیم». اما در ۵ اکتبر ۲۰۲۵، کیم در پاسخ به مانورهای آمریکا و کره جنوبی که الجزیره آن را «تهدید متقابل» خواند، تسلیحات خود (از جمله هسته‌ای) را علیه اهداف جنوبی مستقر کرد. از منظر تحلیلی، این اقدام و شرط عدم خلع سلاح، کره را از «دفاع به» چانه‌زنی می‌برد. در مذاکرات با ستول

آمریکا همیشه بر «خلع سلاح، تأیید و بازگشت‌ناپذیری» اصرار داشته است، اما کره آن را «تسلیم» می‌بیند و کیم در ۲۰۲۲، سیاست‌های هسته‌ای کره شمالی را «ضامن بقا» اعلام کرده و حالا با زرادخانه‌ای تخمینی ۵۰ تا ۶۰ کلاهک هسته‌ای، شرط را معکوس کرده است: «مذاکره بدون خلع سلاح»

«فشار حداکثری» بوده‌اند، اما تاریخ نشان می‌دهد این ابزار هانه تنها خلع سلاح را نیاورده، بلکه پیونگ یانگ را به سمت خودکفایی هسته‌ای سوق داده است. از سال ۲۰۰۶، پس از اولین آزمایش هسته‌ای کره شمالی، شورای امنیت سازمان ملل تحت رهبری آمریکا، بیش از ۱۰ قطعنامه تحریم صادر کرد که صادرات رگنرک، منسوجات و تجارت دریایی را ممنوع و دارایی‌های مقامات را مسدود کرد. آمریکا با قوانین داخلی مانند قانون تحریم‌های جامع کره شمالی (۲۰۱۶)، حتی تجارت ثانویه را هدف گرفت که منجر به کاهش ۹۰ درصدی تجارت کره با چین، شریک اصلی‌اش شد. این تحریم‌ها که اقتصاد کره را به بی‌ثباتی کشاند (کاهش ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸)، در ازای وعده‌های خلع سلاح اعمال شد. در چارچوب تفاهمات ۱۹۹۴، آمریکا قول داده بود ر آکتورهای آب سبک بسازد و نفت ارسال کند، اما تأخیرها به دلیل اختلافات کنگره، منجر به خروج کره شمالی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۳ شد. در دوران ترامپ، پس از نشکست سنگاپور، ترامپ وعده «رفع تدریجی تحریم‌ها» را داد، اما در هانوی بدون پیشرفت، تحریم‌ها تشدید شد. بایدن هم با تمرکز بر «تحریم‌های هوشمند»، بیش از ۱۰۰ فرد و نهاد را اضافه کرد. بدقولی‌های آمریکا از دیدگاه پیونگ یانگ، «خیانت» بود. کیم در سخنرانی‌های متعدد، تحریم‌ها را

«فشار حداکثری» بوده‌اند، اما تاریخ نشان می‌دهد این ابزار هانه تنها خلع سلاح را نیاورده، بلکه پیونگ یانگ را به سمت خودکفایی هسته‌ای سوق داده است. از سال ۲۰۰۶، پس از اولین آزمایش هسته‌ای کره شمالی، شورای امنیت سازمان ملل تحت رهبری آمریکا، بیش از ۱۰ قطعنامه تحریم صادر کرد که صادرات رگنرک، منسوجات و تجارت دریایی را ممنوع و دارایی‌های مقامات را مسدود کرد. آمریکا با قوانین داخلی مانند قانون تحریم‌های جامع کره شمالی (۲۰۱۶)، حتی تجارت ثانویه را هدف گرفت که منجر به کاهش ۹۰ درصدی تجارت کره با چین، شریک اصلی‌اش شد. این تحریم‌ها که اقتصاد کره را به بی‌ثباتی کشاند (کاهش ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸)، در ازای وعده‌های خلع سلاح اعمال شد. در چارچوب تفاهمات ۱۹۹۴، آمریکا قول داده بود ر آکتورهای آب سبک بسازد و نفت ارسال کند، اما تأخیرها به دلیل اختلافات کنگره، منجر به خروج کره شمالی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۳ شد. در دوران ترامپ، پس از نشکست سنگاپور، ترامپ وعده «رفع تدریجی تحریم‌ها» را داد، اما در هانوی بدون پیشرفت، تحریم‌ها تشدید شد. بایدن هم با تمرکز بر «تحریم‌های هوشمند»، بیش از ۱۰۰ فرد و نهاد را اضافه کرد. بدقولی‌های آمریکا از دیدگاه پیونگ یانگ، «خیانت» بود. کیم در سخنرانی‌های متعدد، تحریم‌ها را

■ **تحریم‌های فلج‌کننده: وعده‌های آمریکا و چرخه بدقولی‌ها**
تحریم‌های آمریکا علیه کره شمالی، ابزاری کلیدی در استراتژی

سیاست واشینگتن در تایوان شاهد تغییراتی معنادار است

گره ژئواکونومیک آمریکا در خارج نزدیک چین

نه‌اهبردی «بناشده بود نه وعده آشکار مداخله نظامی، نه انصراف کامل از حمایت، اما در دوره فعلی ترامپ، شاهد تحولات قابل توجهی هستیم که نمایانگر بازتعریفی از این ابعاد مهم هستند. یکی از محوری‌ترین محورهای این تغییر، انتخاب البریج کلبی به عنوان معاون وزیر دفاع در بخش سیاستگذاری است. در جلسه تأیید صلاحیت، کلبی گفته است: سقوط تایوان برای منافع آمریکا فاجعه خواهد بود، اما تایوان برای ایالات متحده یک «مفهوم حیاتی» نیست. این نوع اظهارنظر تضاد آشکاری با مواضع پیشین دارد و به جریان فکری محافظه‌کاری موسوم به ضد مداخله‌گر یا بازدارنده (Restrainers) نزدیک‌تر است. کلبانی که معتقدند نیروی آمریکا محدود است و نباید همه بحران‌ها را تعقیب کند و خود را رئیس جهان بداند؛ سیاستی که ترامپ در تبلیغات خود مدام از آن می‌گفت اما اقدامات و رخداد‌های فعلی کاملاً در تناقض با آن جریان دارد. در این دنباله تناقض، دولت ترامپ در فوریه ۲۰۲۵ تغییراتی در وب‌سیاست وزارت خارجه خود در باره تایوان ایجاد کرد: عباراتی مانند «ما از استقلال کامل تایوان حمایت نمی‌کنیم» حذف شدند و به جای آن تأکید بر همکاری فناوری و عضویت در نهادهای بین‌المللی «در صورت کاربردپذیری» افزوده شد. پکن این تغییر را «شکستیه بزرگ» خواند و خواستار اصلاح آن شد. برخی سناتورهای ارشد به‌ویژه جیم ریش در کنگره پیشنهادی تحت عنوان بازدارندگی از اقدام تجاوزکارانه جمهوری خلق چین علیه تایوان ارائه کرده‌اند تا ستادی در وزارت خارجه و خزانه‌داری تشکیل شود که در صورت تعرض چین، اهداف

■ **رویا زندگی**

در واشینگتن، تغییرات بزرگ همیشه با اعلامیه‌های رسمی و شفاف آنگونه که تبلیغ می‌کنند، آغاز نمی‌شوند. گاهی آرام و بی‌صدا، درون حلقه‌های تصمیم‌سازی میان اتاق‌های اندیشکده‌ها، دفاتر کنگره و گفت‌وگوهای غیررسمی در اندیشکده‌هایی چون «هریتج»، «بروکنینگز» یا «سنتر فور نیو امریکن سکيوريتی» اتفاق می‌افتند. درست در همین لحظه به نظر می‌رسد یکی از حساس‌ترین تغییرات ژئوپلیتیکی در حال شکل‌گیری است: بازتعریف تدریجی سیاست ایالات متحده در قبال تایوان.

واشینگتن سال‌هاست میان دو محور در نوسان بوده است: «سیاست چین واحد» و «تهدید به کمک به دفاع از تایوان». اما در فضای پر تنش کنونی که چین اعتمادبهنفس بیشتری یافته و آمریکا درگیر رقابت تمام‌عیار با پکن بر سر فناوری و بازتعریف نظم جهانی است، این دو کانون دیگر مانند گذشته قابل جمع به نظر نمی‌رسند. در دل این گشتاور است که تلاش‌های جدید و پنهان برای بازتعریف جایگاه تایوان در سیاست خارجی آمریکا در حال رخ دادن است. تلاش‌هایی که می‌توانند نه تنها آینده جزیره را بلکه امنیت اقیانوس آرام و حتی مسیر روابط آمریکا و اروپا را تغییر دهند.

■ **از ابهام راهبردی تا محدودسازی تعهد**
سیاست دیرینه آمریکا در قبال تایوان بر پایه «ابهام